



پیوند فرهنگ شادمانی با آیین‌های جمعی در ایران در گفت‌وگو با دکتر علیرضا حسن‌زاده

# دیالکتیک اندوه و شادی

**خورشید بهشتی /** علیرضا حسن‌زاده، عضو هیأت علمی پژوهشکده مردم‌شناسی است که دکترای انسان‌شناسی خود را از دانشگاه کوته (فرانکفورت) دریافت کرده است، از جمله آثار او می‌توان به کتاب‌هایی همچون زن و فرهنگ (نی، ۱۳۸۲)، ترجمه مردم‌شناسی ورزش (افکار، ۱۳۸۷)، مردم‌شناسی ایرانی (افکار، ۱۳۸۷)، خوراک و فرهنگ (مهرنامگ، ۱۳۸۷)، موقعیت آیینی و موقعیت هنجاری (آمستردام، ۲۰۱۴)، تراژدی خریث (مروارید، ۱۳۹۹) و آثاری دیگر اشاره داشت. او کتاب‌ها و مقالات متعددی در زمینه شناخت آیین‌های ایرانی و از جمله پیوند فرهنگ شادمانی و اندوه با آیین در ایران دارد و در این گفت‌وگو با او در این باره سخن گفتیم.

**شادی یا شادمانی به عنوان یکی از تجربه‌های زندگی انسانی ما، چه تعریفی دارد؟**

در ادبیات انسان‌شناسی حوزه‌ای به نام مطالعات شادمانی / شادکامی شکل یافته که شادی را بر پایه احساس رضایت فرد از زندگی‌اش تعریف می‌کند، این احساس رضایت متأثر از واقعیت‌هایی چون سلامتی، امنیت، رفاه، امکانات، آموزش، اوقات فراغت، درآمد، عدالت، احترام اجتماعی، آزادی و عناصر کلیدی دیگری از این شمار است.

**اگر بخواهیم آن را به عنوان یک موقعیت فرهنگی در نظر بگیریم، فرهنگ شادی یا سنت‌های شادمانی در ایران از چه تنوعی برخوردارند؟**

فرهنگ شادمانی یک تجربه زنده و زیستی است؛ در بعد فرهنگی، ما با حوزه‌های فرهنگی و فرهنگ متنوع اقوام ایرانی روبه‌رو هستیم که ما را در برابر اشکالی گوناگون از فرهنگ شادمانی قرار می‌دهند و از سوی دیگر مباحثی چون طبقه اجتماعی و قشر بندی اقتصادی، تصویر متفاوتی را از شادمانی در نزد گروه‌های مختلف خلق می‌کند، مثلاً شادمانی برای کودکان کار از کودکان طبقه متوسط و مرفه

می‌گیرد، بنابراین همه‌گیری‌ها در برابر همگرایی آیینی در حوزه عمومی قرار دارند، به این دلیل استراتژی‌ای که در بازتعریف آیین در دوره کرونا در ایران شکل گرفت، درون‌خانگی و مجازی شدن آیین بوده است، همان چیزی که در مورد آیین چهارشنبه‌سوری و نوروز ۹۹ به عنوان دو صورت کلیدی از فرهنگ شادمانی دیده شد؛ سفر یکی دیگر از عناصر شادمانی در فرهنگ شادمانی ایران زمان ما بوده است، اما مشکل این است که به دلیل فقدان معماری و شهرسازی مناسب، در شهرهای پرتراکمی چون تهران، مردم به دنبال فرار از شهر هستند و به نزدیک‌ترین محل یعنی شمال می‌روند، بنابراین، این شکل از فرهنگ شادمانی بحران آفرین شد. فرهنگ غذا و حضور در کافی‌شاپ‌ها و رستوران‌ها هم، بخشی از صورت‌های فرهنگ شادمانی و فراغت بویژه در دو دهه اخیر ایران بوده، که در دوره کرونا متوقف شد. فرهنگ شادمانی، در دوره قبل از کرونا بیشتر بُعد برون‌خانگی داشته و اما کووید ۱۹، شادی را به ناگزیر درون‌خانگی کرد، آن هم درست در زمانی که خانه‌های ما برخلاف خانه‌های سنتی با فضای باز و محیط‌های گشوده، ظرفیت بالایی برای فرهنگ شادمانی مثلاً بازی بچه‌ها ندارد و به این دلیل شادی بیشتر به فضای مجازی و رجوع به شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های دیداری سوق یافته است. رابطه میراث خانوادگی (Family heritage) متأسفانه با خانه قطع شده است.

**در عصر مجازی شدن زیست جهان انسان که مفاهیمی مثل شادی هم رهسپار شبکه‌های اجتماعی ما می‌شوند آیا مادیگر کمتر در زندگی واقعی تجربه‌های آیینی و سنتی خودمان را از شادی تجربه می‌کنیم؟** مجازی شدن فرهنگ شادمانی بویژه در اشکال غیررسمی مدت‌هاست در مورد برخی از آیین‌ها شکل گرفته؛ به واقع می‌توان از فضای مجازی به عنوان صورتی از حوزه عمومی در ایران یاد کرد که در آن گروه‌هایی چون جوانان و زنان حضور پررنگی دارند، اما واقعیت آن است که با وجود همه احساس تعلق به فضای مجازی و سرگرمی موجود در آن، حوزه عمومی واقعی بر پایه یک تجربه واقعی و نه تجربه بازنمودی موجود در فضای مجازی شکل می‌گیرد بویژه آنجا که با فرهنگ شادمانی پیوند می‌یابد. نمونه آن بخشی

متفاوت است؛ در این بین خرده فرهنگ‌های شادمانی نیز وجود دارند، که نمونه‌اش فرهنگ هواداری از فوتبال در میان جوانان است که جلوه‌های مهمی از شادمانی را در برابر ما قرار می‌دهد. در عین حال باید بدانیم که با یک فرهنگ شادمانی پویا طرفیم که طی چند دهه اخیر و فراتر از آن از دوره قاجار تاکنون، دچار تحول شده است.

**تحت تأثیر بیماری همه گیر کرونا تحولات عمیقی در بسیاری از مسائل به وجود آمده، یکی از این مسائل شادی است. شما شادی روزهای کرونا را دارای چه مشخصاتی می‌بینید؟**

در ایران بخش مهمی از فرهنگ شادمانی در آیین‌های جمعی خود را نشان می‌دهد؛ آیین‌هایی چون نوروز، یلدا، چهارشنبه‌سوری، سده و غیره؛ در تاریخ طولانی و بسیار کهن این سرزمین، این آیین‌ها با توجه به ساختار سلسله‌مراتبی موجود در ایران، اغلب موقعیت‌های آستانه‌ای را خلق می‌کردند که از یک سو در آن عاملیت در تعریف و خلق نمادین فضای عمومی و نیز احساس برابری شکل می‌گرفت و از سوی دیگر تعریف هویت با فرهنگ و بازنمایی شادمانی جمعی ترکیب و هویت ملی بازتعریف می‌شد. اما در پاسخ به سؤال شما؛ امنیت در برابر همه‌گیری‌ها با فاصله‌گذاری اجتماعی شکل